

تحلیل نظریه علمی بر قرآن تفسیر به رأی است

تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، اما این روش تفسیری گونه‌های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحلیل نظریه‌های علمی بر قرآن، صحیح نیست و منتهی به تفسیر به رأی می‌شود، ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن کریم صحیح است...



تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، اما این روش تفسیری گونه‌های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحلیل نظریه‌های علمی بر قرآن، صحیح نیست و منتهی به تفسیر به رأی می‌شود، ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن کریم صحیح است.

تفسیر علمی قرآن، روش متأخر و نو در فهم آیات قدسی تلقی می‌شود. گرچه برخی در مطالعه پیشینه این منهج تفسیری، سده چهارم را ابتدای شکل‌گیری آن بر می‌شمارند، اما علامه طباطبایی آن را مربوط به دوره جدید و متأخر می‌داند. برخی از محققان تفسیر فلسفی را با تفسیر علمی و برخی دیگر تفسیر طبیعی را با تفسیر علمی همسان پنداشته و در تبیین عناصر آن، راه خطا پیموده‌اند. نکته مهم آنست که علامه طباطبایی روش فلسفی، طبیعی و علمی را از هم متمایز ساخته و هر کدام را مربوط به دوره‌ای خاص و البته مترتب بر یکدیگر قلمداد می‌کند.

امروزه اکثر محققان و پژوهشگران، معمولاً سه روش و رهیافت را در تفسیر علمی قرآن ذکر می‌کنند، «؛رهیافت‌های استخراج علوم»، «؛تطبیق علوم بر آیات» و «؛استخدام علوم در فهم قرآن». گرچه به نوعی روش استخراج و تطبیق منجر به یک نتیجه می‌شود، اما با توجه به توالی تاریخی و ترتیب روش‌ها، هر سه روش پیروانی داشته و گاه در مراحل طولانی زمانی حاکم بر شیوه تفسیری بوده است.

رویکرد علمی به قرآن بسان بسیاری دیگر از رویکردها و گرایش‌های تفسیری، دچار چالش و آسیب شده است که، شاید بتوان مهم‌ترین آن‌ها را در دو دسته؛ تفریط و انکار آموزه‌های علمی در قرآن و افراط در برخورد با آیات علمی قرآن کریم بررسی کرد.

1. انکار آموزه‌های علمی در قرآن:

برخی از صاحب‌نظران رویکرد علمی در قرآن را از اساس منکر شده و معتقدند قرآن به هیچ روی به آموزه‌های علمی نپرداخته یا اگر پرداخته است، ما حق تطبیق آیات با دستاوردهای مسلم علمی را نداریم؛ بنابراین سخن از اعجاز علمی یا روش تفسیر علمی در قرآن نادرست است.

2. افراط در برخورد با آیات علمی قرآن:

مهم‌ترین عامل پیدایش و گسترش رویکرد علمی در تفسیر، پس از دوران رنسانس و در واکنش به تهاجم فرهنگ غرب به جهان اسلام بود که در عمل سروری غربیان بر مسلمانان را همراه داشت. شماری از اندیشوران مسلمان از سر خیرخواهی برای رویارویی با این پدیده با شتاب سراغ میراث دینی کتاب و سنت آمدند و برای نشان دادن پیشگامی مسلمانان، آیات و روایات علمی را استخراج و بازکاوی کردند و این اقدام که با نوعی شتاب‌زدگی همراه شد، اشتباهات و لغزش‌های علمی را همراه آورد.

آسیب‌های تفسیر علمی:

1- علوم تجربی، غالباً قطعی نیست و نظریات و تئوری‌های آن متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می‌یابد و اگر قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ پس از مدتی که آن نظریه‌ها تغییر کرد، مردم در مورد بیانات قرآنی شک کرده و ایمان آن‌ها متزلزل می‌شود؛ برای مثال، این‌که بعضی افراد قرآن را با هیئت بطلمیوسی تفسیر کردند و افلاک نه‌گانه را با آیات قرآن تطبیق نمودند و پس از قرن‌ها آن نظریه باطل شد، موجب شد تا بعضی گمان کنند علم هیئت جدیدی (کپرنیکی) با قرآن در تعارض است.

2- تفسیر علمی در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می‌شود؛ زیرا افرادی که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعددی که در ذیل می‌آید، به دام این مسئله گرفتار می‌آیند؛ بعضی افراد تخصص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارند و بدون داشتن شرایط یک مفسر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کنند. برخی افراد مغرض، ممکن است با استفاده از آیات ناظر به علوم مختلف، بخواهند نظریات خود را اثبات کنند که گاهی این نظریات، انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با استفاده از تفسیر علمی قرآن سامان می‌دهند که موجب تحمیل نظرات بر قرآن می‌شود که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است؛ برای نمونه قابیل را حمل بر دو دوره جامعه بی‌طبقه و جامعه فتودالیزی (ارباب و رعیتی) می‌کنند، تا با مراحل تکامل جامعه در مکتب مارکسیسم مطابقت کند.

برخی افراد همانند غزالی می‌خواهند همه علوم را از قرآن استخراج کنند و در این رابطه هر مطلبی علمی را با قرآن تطبیق، و گاهی به آن تحلیل می‌کنند که موجب تفسیر به رأی می‌شود. در حالی که بیان شد مبنای این دیدگاه مخدوش است.

3- تفسیر علمی قرآن ممکن است به تأویل غیر جایز منتهی شود؛ چنانچه بعضی افراد برای تفسیر علمی قرآن، از حدود ظواهر الفاظ و آیات می‌گذرند و هر کدام از آیات را که با یک نظریه، یا قانون علمی (که مورد نظر آن‌هاست) منافات و تعارض دارد، تأویل می‌کنند تا بتوانند آن نظریه را به قرآن نسبت دهند. نمونه این نوع تأویلات را می‌توان در مورد نظریه تکامل انواع داروین و بحث

«#عرش» و «#کرسی» و تأویل آن‌ها، به فلك هشتم و نهم، دید.

4- تفسیر علمی قرآن و آوردن مطالب علمی زیاد، در لابه‌لای تفسیر قرآن، موجب می‌شود که مقصد اصلی آن، که تربیت، تزکیه انسان و هدایت اوست، فراموش شود؛ چنانچه پاره‌ای از تفسیرهای جدید (مثل طنطاوی) این‌گونه عمل کرده‌اند؛ بر این اساس، بهتر است از تفسیر علمی قرآن، چشم‌پوشی کرده و مقاصد اصلی را در تفسیر ذکر کنیم.

البته این آسیب‌ها قابل پیشگیری است؛ چون اکثر اشکالات به دو گونه «#استخراج علوم از فهم قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن» وارد می‌شود؛ بنابراین اگر مفسر قرآن از گونه استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن استفاده کند، اکثر اشکالات و آسیب‌های فوق بر طرف می‌شود. تفسیر علمی مبانی و معیارهایی دار که لازم است مفسر قرآن آن‌ها را رعایت کند، که اگر بر طبق آن‌ها تفسیر علمی صورت گیرد، برخی دیگر از آسیب‌ها بر طرف می‌شود.

به عبارت دیگر استفاده از علوم قطعی تجربی، آسیب اول را بر طرف می‌سازد، و تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی آسیب دوم و سوم را برطرف می‌سازد، و رعایت اعتدال در استفاده از روش تفسیر علمی، آسیب چهارم را برطرف می‌سازد. البته سوء استفاده از روش‌های تفسیری یا افراط و تفریط برخی مفسران در مورد روش خاص تفسیری مخصوص تفسر علمی نیست و این آسیب کم و بیش در بقیه روش‌های تفسیری نیز وجود دارد که با رعایت اعتدال و ضوابط تفسیر و مفسر، مشکل بر طرف یا کمتر می‌شود.

از مجموع این مطالب روشن می‌شود که تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، اما این روش تفسیری گونه‌های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن صحیح نیست؛ چون منتهی به تفسیر به رأی می‌شود، ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن صحیح است. آسیب‌هایی نیز داشته است که اگر آن معیارهای آن رعایت شود و از گونه صحیح تفسیر علمی (استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن) استفاده شود، غالب آسیب‌ها برطرف شود.*

*برگرفته از مقاله «#روش برداشت علمی از قرآن» حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی، مقاله «#تفسیر علمی، ضرورت‌ها و چالش‌ها» حجت‌الاسلام علی نصیری و مقاله «#نقد و بررسی روش تفسیر علمی قرآن» قاسم پورحسن.